

نحو زبان‌های ایرانی میانه غربی

کریستوفر، ج، بروئر

ترجمه و تحقیق: سعید عریان

www.ketab.ir

دانش

نشر نوین

سرشناسه	برنر، کریستوفر جوزف، ۱۹۲۲- ۱۹۴۴- Brunner, Christopher Joseph, 1944-
عنوان و نام پدیدآور	نحو زبان‌های ایرانی میانه غربی/ کریستوفر، ج. برنر؛ ترجمه و تحقیق سعید عریان.
مشخصات نشر	تهران: نشر بوسم، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۵۷۲ ص.
شابک	978-622-7138-57-3
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: A syntax of western Middle Iranian, 1977.
یادداشت	چاپ قبلی: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۶ (۵۹۲ ص.).
یادداشت	کتابنامه: ص. [۵۵۹] - ۵۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	زبان پهلوی - نحو Pahlavi language -- Syntax زبان پارسی - نحو Parthian language -- Syntax
شناسه افزوده	عریان، سعید، ۱۳۲۹-، مترجم
رده بندی کنگره	PIR1۷۷۲
رده بندی دیویی	۳۸۰/۰۰۵
شماره کتابشناسی ملی	۹۵۳۱۲۹۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیا

نحو زبان‌های ایرانی میانه غربی

کریستوفر، ج. برنر

ترجمه و تحقیق: سعید عریان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۵۷-۳

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

چاپ: نخست

سال نشر: زمستان ۱۴۰۲

نشر بوسم

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان

RWN

نشر بوسم

تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

تکثیر، انتشار، بازنویسی، ترجمه یا اقتباس از این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه‌ای از جمله

فتوکی، نشر الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت

مجوز کتی از ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب:

فهرست منابع مترجم	۱۵
مقدمه مترجم	۱۹
پیشگفتار	۲۵
مقدمه	۲۷
نشانه‌ها:	۳۵

فصل ۱ : اسم	۴۱
۱ - عدد	

الف) اسم و صفت

ب) اسم جمع	۴۶
پ) وابستگی میان اسم و توصیف کننده‌های آن از نظر شمار	۵۱
ت) وابستگی میان مسندالیه (= نهاد) و مسند (= گزاره) از نظر شمار	۵۶
۲- توصیف و عمل اسم‌ها	۵۸
الف) اادات نسبی	۵۸
ب) برابر نهاد توصیف کننده	۷۱

۷۴	پ) بدل
۷۷	ت) توصیف صفات بوسیله اسم‌ها
۷۹	ث) افعال مرکب
۸۳	۳- جملات اسمی و ساخت‌های اسمی مشتق از افعال
۸۳	الف) نبود فعل ربط
۸۸	ب) جمله اسمی مالکیت
۹۰	پ) جملات اسمی با عبارات متمم
۹۵	ت) اسامی مشتق از فعل : عملکردهای وجه وصفی
۱۰۳	ث) عملکردهای اسمی مصدر
۱۰۶	۴- مقایسه
۱۰۶	الف) صفت برتر (= تفضیلی)
۱۱۳	ب) صفت برترین (= عالی)
۱۲۱	فصل ۲ : شمار واژه‌ها
	۵- عملکردهای عدد «یک»
	الف) نقش عددی
۱۲۴	ب) نقش نامعینی
۱۲۸	۶- اعداد شمارشی و اعداد ترتیبی
۱۳۹	۷- عبارات توزیعی و کسری
۱۴۹	فصل ۳ : ضمائر
	۸- اول شخص‌ها و دوم شخص‌های ضمائر شخصی
	الف) اول شخص مفرد
۱۵۴	ب) ضمائر دیگر شخص‌ها
۱۵۸	۹- ضمائر سوم شخص
	الف) ضمائر شخصی - اشاره‌ای
۱۷۲	ب) ضمائر اشاره به نزدیک

۱۰- ضمائر انعکاسی ۱۸۲

الف ضمیر ملکی

ب) ضمیر تاکیدی ۱۹۱

پ) دو سوئگی ۱۹۷

۱۱- ضمائر موصولی و پرسشی ۱۹۹

الف) نقش موصولی

ب) نقش پرسشی ۲۱۳

۱۲- ضمائر نامعین و کمی ۲۱۶

الف) ضمائر نامعین

ب) ضمائر کمی ۲۲۰

فصل ۴ : پیوندهای ضمیر گونه ۲۳۱

۱۳- محیط‌ها و عملکردهای پیوند

الف) پیوند با یک اسم

ب) پیوند با یک ضمیر ۲۳۵

پ) پیوند با ادات نسبی ۲۴۲

ت) پیوند با یک فعل ۲۴۳

ث) پیوند با یک حرف ربط وابسته ۲۴۶

ج) پیوند با یک حرف ربط همپایه ۲۴۹

چ) پیوند با یک قید ۲۵۳

ح) پیوند با یک حرف اضافه ۲۵۵

خ) پیوند با ادات فعل ۲۶۱

د) پیوند با بند مقدم ۲۶۱

فصل ۵ : حروف (اضافه) پیشایند و پسایند، پیشوندهای فعلی و ادات ۲۶۷

۱۴- حرف (اضافه) پیشایند مکان، pad

الف) کلیات

۲۶۹	ب) نشان دادن جایگاه فیزیکی و اجتماعی
۲۷۲	پ) نشان دادن جایگاه زمانی
۲۷۴	ت) نشان دادن وضعیت یا حرکت
۲۷۶	ث) ارجاع
۲۷۹	ج) نشان دادن فاعل منطقی و ابزار
۲۸۱	چ) نشان دادن حالت
۲۸۴	ح) نشان دادن علت
۲۸۵	خ) تعیین ویژگی
۲۸۵	د) نشان دادن مقصد یا مفعول
۲۸۹	ذ) اسناد
۲۹۱	ر) عبارات وصفی
۲۹۲	ز) عبارات فعلی
۲۹۳	ژ) حروف اضافه مرکب
۲۹۴	س) pad، همراه با صفات
۲۹۶	۱۵- حروف (اضافه) پیشایند جهت

آ) حرف (اضافه) پیشایند سمت و سوء،

الف) نشان دادن مقصد حرکت

۳۰۱	ب) نشان دادن مفعول بیواسطه
۳۰۶	پ) نشان دادن مفعول بواسطه
۳۰۹	ت) شیوه‌های بیان زمان
۳۱۰	ث) کاربردهای گوناگون
۳۱۲	ب) حرف (اضافه) پیشایند برون سوء، az/až
	الف) نشان دادن جدایی و منشاء

۳۱۵	ب) نشان دادن مکان
۳۱۷	پ) شیوه‌های بیان زمان
۳۱۹	ت) کاربرد تبعیضی
۳۲۱	ث) نشان دادن علت

ج) نشان دادن فاعل منطقی و ابزار	۳۲۲
چ) نشان دادن مفعول؛ اسناد	۳۲۴
ح) نشان دادن وابستگی	۳۲۵
خ) نشان دادن حالت	۳۲۶
۱۶- حروف (اضافه) پسایند	۳۲۶
الف) نشان دادن علت	۳۲۷
ب) نشان دادن منظور	۳۳۰
پ) ارجاع	۳۳۱
ت) نشان دادن مفعول بواسطه	۳۳۳
ث) اسناد	۳۳۶
ج) نشان دادن مفعول بیواسطه	۳۳۷
۱۷- پیشوندهای فعلی و ادات پیش فعل	۳۳۹
الف) حروف (اضافه) پیشایند فارسی میانه به عنوان پیشوندهای فعلی	
ب) قیدهای فارسی میانه به عنوان پیشوندهای فعلی	۳۴۲
پ) be به عنوان پیشوند فعلی و ادات پیش فعل	۳۴۳
ت) ادات پیش فعل be در پهلوی	۳۴۹
ث) ادات پیش فعل hamē(w)	۳۵۸
ج) پیشوندهای فعلی در پارتی	۳۶۲

فصل ۶ : قیدها ۳۷۱

۱۸- قیدها و عبارات قیدی

الف) اسم‌ها در عبارات قیدی

ب) قیدهای ساده	۳۷۶
پ) قید چسبان	۳۷۹
ت) قید امری	۳۸۴

فصل ۷ : عملکردهای فعل در جمله ساده ۳۸۹

۱۹- جایگاه؛ تطابق؛ ادات توصیف

الف) جملات فعلی

ب) مطابقت فعل با فاعل ۳۹۵

پ) جمله پرسشی ۳۹۹

ت) جمله منفی ۴۰۰

ث) افعال غیر شخصی و ساختارهای غیر شخصی ۴۰۲

ج) افعال شخصی با مصدر مکمل ۴۰۶

۲۰- وجه ۴۱۲

الف) وجه اخباری

I- عملکرد آینده

II- عملکرد گذشته ۴۱۴

ب) وجه امری ۴۲۲

پ) وجه التزامی ۴۲۴

I- عملکرد عدم قطعیت

II- عملکرد بیان آینده قطعی ۴۳۰

III- عملکرد بیان پند و اندرز ۴۳۱

ت) وجه تمنایی ۴۳۳

I- عملکرد بیان عمل فرضی ۴۳۴

II- عملکرد بیان عمل تجویزی ۴۳۹

۲۱- حالت‌ها و زمان‌های فعل ۴۴۴

الف) ساخت افعال متعدی در حالت معلوم

ب) ساخت زمانی افعال متعدی در حالت مجهول و افعال لازم ۴۴۵

پ) زمان حال - آینده ۴۴۷

ت) زمان ماضی نقلی ۴۵۱

ث) زمان‌های ماضی استمراری و ماضی مطلق ۴۵۴

ج) زمان ماضی بعید ۴۶۴

فصل ۸ : جملات همپایه و ناهمپایه	۴۷۳
۲۲- حروف ربط همپایه	
الف) حرف ربط ud	
I - نقش ربطی	
II - نقش شبه قیدی	۴۷۵
III - حذف حرف ربط	۴۷۷
IV - کثرت حرف ربط	۴۸۰
V - همپایگی	۴۸۱
ب) حرف ربط تقابل زا	۴۸۲
پ) تناوب	۴۸۵
ت) حرف ربط سببی	۴۸۷
۲۳- حروف ربط وابسته (ساز)	۴۸۹
الف) عملکردهای Kū	
I - نقل قول مستقیم	
II - فراکرد نتیجه	۴۹۲
III - فراکرد منظور	۴۹۴
IV - فراکرد اسمی بیان کننده ویژگی	۴۹۶
ب) حرف ربط مکان Kū	۵۰۰
پ) حرف ربط زمان و شرط: ka / kad	۵۰۳
ت) حروف ربط زمان و غایت: tā و yad	۵۰۷
ث) عملکرد حرف ربط نسبی	۵۱۱
I - عملکرد نسبی	
II - عملکرد قیاس	۵۱۵
ج) حرف ربط شرط	۵۱۹
چ) فراکرد تقابل زا در فارسی میانه	۵۲۲
۲۴- جمله منظم در فارسی میانه	۵۲۴
پیوست «الف»	۵۳۱

سرود مانوی

پیوست «ب» ۵۴۱

نمایه برگزیده ساخت افعال هزوارشی در کتیبه‌ها

کتابخشناسی ۵۵۹

الف) منابع در بردارنده متون و ترجمه‌ها

ب) منابع مربوط به: ۵۶۷

نمایه: ۵۷۳

الف) نمایه دستوری

ب) نمایه واژه‌ها و تکواژهای فارسی میانه و پارتی مورد بحث ۵۸۳

فهرست منابع مترجم ۵۸۷

فهرست منابع مترجم

الف: متون:

- ۱- آموزگار، ژاله
ارداویراف نامه (ارداویرازنامه) تهران ۱۳۷۲
- ۲- راشد محصل، محمد تقی
زند بهمن یسن، ترجمه فارسی، آوانویسی... تهران ۱۳۷۰
- ۳- رجبی، پرویز
کرتیروسنگ نیشسته او در کعبه زردشت، بررسی های تاریخی، شماره
مخصوص، سال ششم، شماره مسلسل (۳۳)، مهر ۱۳۵۰، صص ۱-۶۶
- ۴- عثمانوف، م.ن.
شاهنامه فردوسی، متن انتقادی، جلد ۷، مسکو ۱۹۶۸
- ۵- عریان، سعید
متون پهلوی، گردآورنده: جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا،
تهران ۱۳۷۱
- ۶- فره وشی، بهرام
کارنامه اردشیر بابکان، متن پهلوی، ترجمه فارسی... تهران ۱۳۵۴
- ۷- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) ترجمه فارسی، لندن ۱۹۱۴
- ۸- نجم آبادی، س
متن پهلوی اشکانی کتیبه حاجی آباد، هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۸۶/۸۷
(۱۳۴۸)، صص ۷۴-۹۱
- ۹- وامقی، ایرج
انگدروشان، ترجمه فارسی، چیستا سال ۱ شماره ۱۰ خرداد ۱۳۶۱، صص
۱۲۶۸-۱۲۰۱
- ۱۰- هدایت، صادق
زند و هومن یسن و «کارنامه اردشیر بابکان» ترجمه فارسی و آوانویسی... تهران
۱۳۴۲

- 11-Andreas, F.C.and Barr, kaj
Bruchstücke einer Pahlavi-Übersetzung der Psalmen.
SbPAW phil-hist kl., 1933, 1.
- 12-Anklesaria, Behramgore Tehmuras
zand-î vohûman yasn and Two pahlavi fragments. Bombay,
1957.
- 13-Anklesaria, Ervad Tehmuras Dinshaw
The social code of the parsees in the sasanian times or The
Madigân-i-Hazâr Dâdistân, part II, Bombay 1912,
- 14-Antia, Edalji kersaspji
kârnâmak-i Artakhshir pâpakân. Bombay 1900.
- 15-Boyce, Mary
The Manichæan Hymn cycles in parthian, London 1954.
- 16-A reader in Manichæan Middle persian and parthian. Acta Iranica
Vol 9, Belgium 1975,
- 17-Bulsara, S.J.
The laws of the Ancient persians, as found in Mâtikân Ê
Hazâr Dâdastân, Bombay 1937.
- 18-Diakonov, I.M., Livshits, V.A
Dokumenty iz nisi, Moskva 1960.
- 19-Freiman, A.A.
opisanie, publikatsiy i issledovanie dokumentov s gori Mug,
Moskva 1962.
- 20-Gignoux, philippe
Le livre D'Arda viÂraÂz, paris 1984.
- 21 — Les Quatre Inscriptions Du Mage KardiÂr, textes et
concordances.
paris 1991.
- 22-Haug, Martin and West, Edward William
The Book of Arda viraf, Appendix I: The tale of Gôsh-t-i
Fryânô, The pahlavi text, Appendix II: The Three fragards
of The Hâdôkht Nask, The zand and pahlavi texts,
Amsterdam 1971,
- 23-Henning, W.B

selected papers: Mitteliranische Manichaica aus chinesisch-Turkestan, I: (SPAW, 1932, X, PP. 173-222), II:(SPAW 1933 PP 292-363),III: (SPAW, 1934, PP. 846-912), Acta Iranica Vol 14.

24-Nyberg, H.S.

La Légende de kersaÂspa. Transcription des Textes pehlevi,...(oriental studies in honour of The cursetji Erochji Pavry, 1933,PP. 336-352),Acta Iranica, vol.7, PP. 379-395, Belgium 1975.

25-Sofield,c.i

The Holy Bible, Authorized king James version, New york 1945.

26-Snaith, Norman, Henry

(The Holy Bible, Hebrew version), Israel, 1970.

27-Sprengling, Martin

Third century Iran sapor and kartir, chicago, 1955.

ب) منابع زبانشناختی و لغوی:

- ۱- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد
زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، تهران ۱۳۷۳
- ۲- مشکور، محمد جواد
فرهنگ هزوارش های پهلوی، تهران ۱۳۴۶
- ۳- همایون، همادخت
واژه نامه زبانشناسی و علوم وابسته، تهران ۱۳۷۱
- 4- Bogdanov, L
Notes on sasanian Law, from the german of prof. Ch. Bortholomae(Heidelbergl),the Journal of the K.R. Came oriental institute, No 18, Bambay 1931, No 21, 1932.
- 5-Boyce, Mary
A word-list of Manichaeon Middle persian and parthian, Acta Iranica, Vol.9a Belgium 1977.
- 6-Crystal, David
A Dictionary of linguistics and phonetics, Great Britain, 1988.
- 7- Gesenius, willian
Hebrew and English Lexicon of the old Testament, Great Britain, 1907.
- 8-Ghilain, A
Essai sur la langue parthe, louvain 1966.
- 9-Gignoux, philippe
Glossaire des inscriptions pehlevies et parthes, London 1972.
- 10-Hawkins, Joyce, M
The oxford Reference Dictionary, Great Britain, 1989.
- 11- Mackenzie, D.N.
A concise Pahlavi Dictionary, London, 1971.
- 12-Nyberg, Henrik samal
frahang i pahlavi, Wiesbaden 1988.
- 13- ____ Manual of pahlavi, vol. 1,2, Wiesbaden, 1974.
- 14- Richards, Jack, C.; platt, John; platt, Heidi; Longman Dictionary of Lnguage Teaching and Applied Linguistics; Great Britain, 1992.

مقدمه مترجم

در میان پدیده‌های انسانی، زبان پیچیده‌ترین و دیرپاترین پدیده است. این پیچیدگی از یک سو به منشاء و تحول آن و از سوی دیگر به ساختمان و ابعاد آن مربوط می‌شود. ساختمان زبان به عنوان یک نظام، خود دارای ساخت‌های دیگری است که هریک علیرغم استقلال درونی، سخت درهم تنیده‌اند تا بتوانند دستگاهی به نام «زبان» را تحقق بخشند.

یکی از این ساخت‌ها، ساخت نحوی زبان است. ساختار نحوی زبان، نسبت به ساخت‌های دیگر زبان، پیچیده‌ترین، ثابت‌ترین و دیرپنده‌ترین ساختار است. از سوی دیگر در میان ساخت‌های سه‌گانه زبان یعنی ساخت نحوی، معنایی و نحوی، این ساخت نحوی است که در نهایت و پس از آن دو دیگر، شکل می‌گیرد و در واقع پس از شکل‌گیری و تحقق کامل آن می‌توان نظام زبانی را باز شناخت و مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر، نحو زبان در حکم پی و بنیان ساختمان زبان است و چنانچه این بنیان تغییر و دگرگونی پذیرد، آنگاه بازبانی دیگر رودررو خواهیم بود.

زبانهای ایرانی از آغاز تاکنون^۱، دوباره این دگرگونی بنیادین تن در داده‌اند که در نتیجه، سه دوره زبانی، باستانی، میانه و نو، بوجود آمده است.

دوره باستانی، حدوداً، زمان بین آغاز تا فروپاشی سلسله هخامنشی، و دوره میانه، زمان میان آغاز سلطنت پارتیان تا حدود قرن سوم هجری قمری را

^۱ آغاز تاریخ زبان از پیدایش کهن‌ترین سند مکتوب محاسبه می‌شود و چون کهن‌ترین سند مکتوب در زبانهای ایرانی کتیبه‌های هخامنشی است لذا مبداء تاریخ زبانهای ایرانی، با آغاز سلسله هخامنشی مقارن می‌شود.

در برمی‌گیرد. دوره نو نیز پس از پایان حیات زبانهای ایرانی میانه تاکنون ادامه یافته است.

زبانهای ایرانی، در شمار زبانهایی است که از آغاز تاکنون از هر نظر با دورترین گذشته خود دارای تسلسل بوده است. تاجائیکه باید گفت امروزه نمی‌توان ابهامی از ابهامات گوناگون این زبانها را بدون مراجعه و بررسی پیشینه آن بطور قطعی حل کرد. بعبارت دیگر علیرغم دگرگونی‌هایی که این زبانها در دوره‌های سه گانه پذیرفته‌اند و بظاهر از یکدیگر فاصله گرفته‌اند، درپس پرده، قواعد و قوانین بنیادین آنها بر یکدیگر تکیه زده و درک چونی و چرایی یکی بدون توجه بر آن دیگری بسیار دشوار و حتی گاهی غیر ممکن است.^۲

یکی از مسایل بسیار مهم و اساسی هر زبانی و به تبع آن زبانهای ایرانی، ساختار نحوی آنهاست. در میان دوره‌های سه گانه زبانهای ایرانی، دوره میانه و در این دوره، شناخت زبانهای ایرانی میانه غربی و دستگاه نحوی آنها اهمیت بیشتری دارد. زیرا از یک سو با ساخت نحوی زبانهای باستانی مربوط است و از سوی دیگر می‌توان با اشراف بر آن مبهمات نحوی فارسی امروز را حل کرد. به کلام دیگر، این بخش از زبانهای ایرانی میانه، حد واسطه بین باستانی و امروزی زبان فارسی است.

کتابی که ترجمه فارسی آن از نظر می‌گذرد، تنها اثری است که بصورتی منسجم و روشمند، درحدی بسیار گسترده، ساختار نحوی زبانهای ایرانی میانه غربی را مورد بررسی و پژوهش دقیق قرار داده است. وسعت دید، مثالهای بسیار زیاد و متنوع از منابع گوناگون زبانی اعم از کتبه و کتاب، دقت نظر در بیان قواعد نحوی، آغاز و انجام موضوع، همه و همه بر تسلط، توجه و کارآمدی نویسنده اثر یعنی «کریستوفر برونر» گواهی می‌دهد و طبعاً براهل فن روشن است که ترجمه اثری اینگونه تاچه حد می‌تواند دشوار و سترگ باشد. مترجم امیدوار است که با ترجمه این اثر توانسته باشد به بخشی از تعهدات خود عمل کند. نیز در این جا لازم است مراتب سپاسگزاری خود را به جای آورد:

۲. مواردی که در زبان استثنایی و بی‌قاعده قلمداد می‌شوند، دقیقاً از همین امر ریشه می‌گیرند.

از دکتر ژاله آموزگار که مرا برای اولین بار با مطالعات ایرانی و مهمترین زبان ایرانی میانه غربی یعنی پهلوی آشنا ساخت.

از شادروان دکتر احمد تفضلی که از آغاز تا انجام مراحل تحصیل و نیز این پژوهش، هزارگونه یاریم کرد. راهنمایی‌های وی همیشه راهگشای من بوده است و حق او را بر من پیوسته گرانتر تر نموده است.

از دکتر محمد رجبی، دوست گرانمایه و دانشورم که با صبوری وافر، موجبات ترجمه این اثر را فراهم ساخت.

از همسر فرزانه‌ام که بردباریش بی‌مانند است و همیاریش بی‌مانندتر. او نیز حقی‌گرا و برمن دارد.

ترجمه این اثر با دشواریهای گوناگونی روبرو بوده که هر یک به گونه‌ای حل شده است. از این روی توجه به موارد زیر ضروری است:

۱- در متن اصلی، توضیحات لازم در زیر هر صفحه با شماره ردیف مستقل آمده است. از آنجایی که مترجم نیز در مواردی ناگزیر از توضیح بوده است لذا برای احتراز از آشفتگی و ایجاد سردرگمی، توضیحات نویسنده با شماره مسلسل داخل پرانتز، در مجموع به پایان هر فصل منتقل شده و توضیحات زیر صفحه با شماره‌های بدون پرانتز به مترجم اختصاص یافته است. چنانچه مترجم در بخش یادداشتهای هر فصل نیز، در مواردی مجبور به توضیح شده، توضیح خود را با کومه نوشت (م) مشخص نموده است.

۲- کلیه مثالهای متن انگلیسی، با منابع مورد استفاده نویسنده دقیقاً مطابقت داده شده است. از این روی گاهی مترجم اصلاح مواردی را ضروری دیده که در نتیجه گونه اصلاح شده براساس متن اصلی مورد استفاده، در متن ترجمه و صورت آمده در متن انگلیسی اثر، با شماره ردیف بدون پرانتز در زیر صفحه مشخص شده است.

۳- در متن انگلیسی، مثالها به صورت حرف نویسی آمده است. با آنکه مترجم معتقد است که حرف نویسی متون باستانی و در برابر آن احتراز از واجنویسی،

علمی‌ترین و منطقی‌ترین شیوه است، اما از این جهت که قرائت متن حرف - نوشت به سادگی و برای همگان امکان پذیر نیست و به همین سبب مطابقت مثال با قاعده مورد بحث رو به دشواری می‌نهد، از این روی تمام مثالهای متن با شیوهٔ مکنزی و اجنویسی شد.^۳

۴- در مثالهای ارائه شده، مشکلاتی وجود داشت و آن اینکه نویسنده گاهی پاره‌ای از یک عبارت و یا یک جمله را که مورد نظر بوده به عنوان مثال انتخاب کرده و گاهی نیز خود از پیوند ابتدا و انتهای یک عبارت و یا از واژه‌های یک جمله اصیل، جمله یا عبارتی دیگر ساخته است که در هر صورت ترجمه مثال را با دشواری روبرو می‌ساخت. در بسیاری از موارد، با مراجعه و مطابقه متن اصلی مورد استفاده، مثال بطور کامل ترجمه شده با این تفاوت که ترجمه بخش‌هایی که در مثال نیست، بین دو پیرانتز آمده است. بهر حال ذکر این نکته ضروری است که در ترجمه مثالها، متن مثال، اصل و محور ترجمه بوده است و نه ترجمه انگلیسی آن.

۵- پاره‌ای از مثالها مربوط به متونی است که ترجمه فارسی آنها از پیش موجود بوده است. مترجم در بعضی از موارد که میال دو ترجمه تفاوتی وجود نداشت، از ترجمه‌های فارسی بهره گرفته است. بطور مثال ترجمه فارسی مثالهای مربوط به «زبور»، پس از توجه و مطابقه مثال با ترجمه فارسی، عیناً از ترجمه فارسی «زبور» گرفته شده است.

۶- در ترجمه اصطلاحات دستوری و زبانی، تا آنجا که ممکن بود از برابریهای متعارف فارسی که بر ساخته و مورد استفاده زبان‌شناسان و متخصصین فن است استفاده شده است. در غیر این صورت یا برابر نهاد توصیفی به کار رفته و یا برای آن اصطلاحی متناسب قرار داده شده است.

۷- تمام مثالها، چه در متن و چه در یادداشتها، ترجمه شده است. خواه نویسنده آنها را ترجمه کرده باشد و یا نکرده باشد.

۸- گاهی نویسنده، چه در متن و چه در یادداشت‌های متن، برای اشاره به مطلبی

به شماره صفحه یا صفحاتی از کتاب تصریح کرده است. چون شماره صفحات متن انگلیسی با ترجمه فارسی خوانایی ندارد لذا تمام این ارجاعات از شماره صفحه به شماره فصل و اجزاء کوچکتر آن که تغییر ناپذیر است تبدیل شد. این امر در مورد نمایه‌ها نیز صورت گرفته است.

۹- در متن انگلیسی، شماره‌های مورد ارجاع در نمایه‌ها با نقطه از یکدیگر جدا شده است. چون در سیستم نشانه‌های عددی فارسی نشانه صفر و نقطه یکی است لذا در نمایه‌های متن ترجمه، شماره‌ها با خط مورب از یکدیگر جدا شده‌اند.

۱۰- تمام نمایه‌های متن انگلیسی با نمایه‌های ترجمه مطابق است به جز نمایه دستوری که براساس متن ترجمه و برابر آنها به فارسی تدوین شده است. در مورد ویژگی‌های اثر موارد دیگری نیز وجود دارد که تماماً در مقدمه کتاب آمده است.

سعید عریان

تهران ۱۴۰۲

پیشگفتار

تاکنون کوشش‌های اندکی جهت سامانمند کردن دستور زبانهای ایرانی غربی پیش از اسلام صورت گرفته که آنها نیز به گونه‌ای گسترده خود را به ویژگی‌های صرفی محدود کرده‌اند (نگاه کنید به مقدمه). این کوشش‌ها، نسبتاً توجه ناچیزی را به نحو که از طریق تغییرات و اصلاحات، گرایش به استنباط از فارسی نو را دارد، اختصاصی داده‌اند. روندی اینگونه، متأسفانه، تعریف و حدود حقیقی فارسی میانه و پارتی را به عنوان دو زبان، بویژه برای دانشجویان و غیر متخصصان، تیره و تار و مخدوش می‌کند. تصور غالب و گویی همیشگی بر این است که این زبانها مبهم هستند و در واقع پدیده‌های نامعینی به شمار می‌روند که در آنها با هر ویژگی ممکن است تنها یک بار برخورد کرد. از سویی مفهوم تکینگی زبانهای میانه و نیز فارسی نو کم اهمیت جلوه داده شده، و از سوی دیگر ساختمان معتبر دستور تاریخی زبانهای ایرانی غربی مسدود شده است. بنابراین، در چنین وضعیتی، تعریف و توصیف دقیق عملکرد زبانهای میانه و نیز عناصر ممیزه آنها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. بعبارت دیگر، موضوعات خاص - ساخت‌های جمله نمونه قابل ملاحظه‌ای است - به توضیح و روشن سازی چشمگیری نیاز دارند.

اثر حاضر به منظور کمک در جهت تحلیل همزمانی زبان‌های ایرانی میانه غربی تحقق یافته است. این پژوهش می‌کوشد تا نحو را برپایه منابع متفاوت، علیرغم تفاوت و تمایزات اندیشه‌ای که در زمان وجود، میان آنها بوده است، منظم کند. در تعریف نحو، سئوالات مشخص زبانشناختی تاریخی پیش می‌آید؛ این پرسش‌ها باید مورد بحث و بررسی قرار گیرند، حتی اگر با قطعیت حل نشوند.

برای بررسی نحو، ارزش پیکره تمام بخش‌های زبان‌های ایرانی میانه غربی، به همان اندازه که برای شناخت خطوط کهن و غیره، اهمیت دارد، می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد؛ زیرا حتی کوتاه‌ترین متون نیز ممکن است مسئله دستوری یا ارزشی را در برداشته باشند. در این اثر، از میان همه منابع، روی کتیبه‌های ساسانی، بسیار بیشتر تکیه شده است. این کتیبه‌ها، نه تنها اسناد تاریخی ارزشمندی به شمار می‌روند، بلکه ضمن برخورداری از غنای زبانشناختی، دارای متن نسبتاً ساده‌ای از تاریخ نیز هستند. با اینکه دستور زبان کتیبه‌ها بسیار روشن‌تر است، اما اهمیت مطالعه و بررسی عمیق نحوی آنها پیوسته پا برجاست. بویژه، دستگاه مبهم نوشتاری ساخت پاره‌ای از افعال باید بطور هماهنگ با دستور زبان و نیز سیستم نوشتار، توجیه شود.^۴ پیشرفت در جهت ایجاد یک بافت همزمانی روشن، هم می‌تواند متون را واضح کند و هم ساخت‌های زبانی‌زا، و همچنین، بررسی ذاتی مسایل زبانشناسی تاریخی را نیز یاری می‌دهد.

سپاسگزاری بیشین من از محققانی است که مرا در مطالعه زبانهای ایرانی باستان و میانه یاری کرده‌اند. من برای آشناسازی و ورود به مطالعات ایرانی در دانشگاه میشیگان، رهین پرفسور آلین لوتر (Allin Luther) همیچم. مطالعات فارغ‌التحصیلی من در دانشگاه پنسیلوانیا (۷۱-۱۹۶۶)، تحت راهنمایی پرفسور مارک، ج، درسدن، (Mark, J. Dresden) انجام پذیرفت؛ این دستور زبان را برسم قدردانی از آموزش، راهنمایی و یاری او، ارائه می‌کنم. همچنین از پرفسور مری بویس (Mary Boyce)، دکتر د. ن، مکنزی (D.N. Mackenzie) و دکتر ر. ا، امریک (R.E. Emmerick) متشکرم. آنان، در طول سالهای تحصیلم در مدرسه مطالعات آسیایی و آفریقایی (School of oriental and African studies) دانشگاه لندن، با سخاوت زیاد، وقت و آموزش خود را در اختیار من گذاشتند. بهر حال، نویسنده در مورد شیوه‌های بیان و نیز عبارات دستوری مطرح شده، بطور کامل پذیرای مسئولیت است.

کریستوفر، ج، برونر

نیویورک، نیویورک

۴. پایانه هزوارش‌های مختوم به -d (نگاه کنید به پیوست «ب») در پاره‌ای از اوقات، از راه‌هایی مغایر با این هر دو توجیه می‌شود.

مقدمه

طرح قواعد نحوی پهلوی آن

قدر که باید، دشوار است

ش، دوهارله C. De Harlez

زبان‌های ایرانی میانه غربی (w Mir)، دوره زبانی میان زبانهای ایرانی باستان غربی (OIr)، که فارسی باستان (OP) یا تنوع و آثاری پراکنده یکی از آنهاست، و فارسی نو (NP) متقدم را تشکیل می‌دهد.^(۱) زبان‌های ایرانی میانه غربی، خود یک خوشه دوزبانی یا دوگوشی است: فارسی میانه (MP)، زبان ولایت فارس، و پارسی (Pt)، زبان ولایات شمالی - مرکزی و غربی^(۲). مطالعه تحقیقی روی زبان‌های ایرانی میانه غربی، همراه با زبان‌های ایران باستان آغاز شد، اما بسیار کند پیشرفت کرد^(۳). از آنجاییکه متون پهلوی (Phl) در گستره‌ای وسیع، پایه اصلی تحلیل‌های زبانی فارسی میانه را تشکیل می‌دهد (و چون خط این زبان دارای مشکلات فراوانی است) لذا ابهام خط و نوشتار شدیداً از درک و دریافت زبان ممانعت می‌کند. از اینرو پس از انکتیل دوپرون Anquetil du perron، کوشش‌های پیشگامانه مولر Müller اساساً با مسایل مربوط به حرف نویسی و نیز توضیحات واژگانی روبرو شد. بطور کلی، دستگاه نحوی مورد نظر، از طریق قیاس آن با فارسی نو، دریافت می‌شد، گو اینکه مولر به مسایلی مانند پسوندهای ضمیرگونه برخورد می‌کرد که عملکردشان آشکارا با پسوندهای فارسی میانه در تقابل بود^(۴).

مبادی ساخت معنایی و نحو فارسی میانه در دستور زبان اسپیگل Spiegel بنیان گرفت^(۵). البته منابع محدود اسپیگل سبب زیاده روی و اغراق در بیان مطابقت

فارسی میانه با فارسی نو شد: «این زبان اساساً به سطح زبانهای ایرانی نوین در آمده بود»^(۶)، بهرحال، اشیگل خود نیز بخوبی تشخیص داد که ممکن نیست آن منابع پیشین بتوانند منظری دقیق و کامل از یک زبان زنده را فراهم آورند^(۷).

مشکل اساسی دانشمندان نخستین، در انطباق یک واژگان بظاهر سامی با ساخت واژگانی ونحو ایرانی بود. نظریه «زبان آمیخته»، مطالعات دستوری متقدم راست می‌کرد: «بنابراین لهجه‌ای را داریم که در آن عناصر سامی به صورت ایرانی تصریف می‌گردند و با آنها بنابر قواعد ساخت واژه ونحو ایرانی رفتار می‌شود»^(۸). به کلام دیگر، بخش کلانی از واژگان سامی در فارسی میانه و پارتی به وام گرفته شد و ادات صرف ایرانی نیز به آنها افزوده شدند^(۹).

هوگ Haug در شرح ابن مقفع^۵ در باره خطوط پهلوی، از جمله هزوارش‌ها برای تلفظ‌های ایرانی، بسی نظریات موجه یافت^(۱۰). بهرحال، هوگ خود را از دیدگاه «زبان آمیخته» که پیوسته مسائل را تیره می‌کرد رها ساخت. پهلوی برای دوهارله «یک زبان براستی آمیخته» به شمار می‌رفت، گو اینکه «به کاربردن واژه‌های سامی در آن معلول نوعی پیرایه بندی از یک شیوه صرفی و گذرا بود»^(۱۱). نظریه «زبان آمیخته»، پس از گردش قرن، در دستور زبان بلوش Blochet ادامه حیات داد، در حالیکه یونکر Junker نظریه بیان شده بوسیله دوهارله را شرح و بسط می‌داد^(۱۲).

در پژوهش salemann تحت عنوان «فارسی میانه Mittelpersisch»، توضیح مربوط به خط پهلوی بصورت هزوارش، بیشتر از طریق ارجاع به سنت نوشتار انجام گرفت تا زبان محاوره؛ که البته وی در این پژوهش، تحلیل روشنی از دستگاه آوایی و ساخت شناسی واژگانی فارسی میانه را نیز منظور کرد^(۱۳). تنها از این پس، درک واقعی کتیبه‌ها ممکن شد^(۱۴). صحت این دیدگاه بوسیله اسناد و مدارک مانوی (M) که خط آن دقیق و تقریباً آوانگار و زبان آن تا حد گسترده‌ای از تاثیرات فارسی نو آزاد بود، اثبات و مستند شد^(۱۵). بدین ترتیب فارسی میانه مانوی (MMP)، معیار و ملاکی را در اختیار محققین نهاد که می‌توانست با پهلوی و همچنین کتیبه‌ها مورد مطابقت و قیاس قرار گیرد، در حالیکه متون پارتی مانوی (MPt) نیز، منبع اساسی

۵. برونر مطلب ابن مقفع را به نقل از ابن ندیم در الفهرست آورده است. در این مورد نگاه کنید به: ابن ندیم، الفهرست، ترجمه م. رضانجديد، تهران ۱۳۴۶، ص ۲۵-۲۲.

درک پارتی را فراهم نمود. زالمان در طرح کلی دستور زبان خود، بصورت نظام‌مند، میان فارسی میانه مانوی و پارتی تمایزی قابل‌نشد^(۱۶)، در حالیکه تدسکو Tedesco از مطالب کلیدی دستگاه آوایی، ساخت شناسی واژگانی و واژگان آنها، تحلیلی بدست داد^(۱۷). البته دستور کامل هر دو زبان نوشته شده است، اما نظام‌های فعلی آنها در اثره‌نینگ Henning، تحت عنوان "Verbum" و پژوهش‌گیلن Ghilain، با عنوان "Essai..."^۶ آمده است. هیچیک از موارد مذکور، دستور کامل و آماده زبان پهلوی را در بر ندارد، اما، و.س، راستارگوئه و V.S. Rastorgueval، شرح نویینی از ساخت شناسی واژگانی این زبان را با پاره‌ای توجهات به نحو آن فراهم آورد^(۱۸).

دستور زبان حاضر، خود را به شرح منظمی از ساختارهای نحوی در فارسی میانه و پارتی محدود می‌کند. بازگویی ساخت شناسی واژگانی فارسی میانه و نیز پارتی که باندازه کافی به آید، شبیه است، غیر ضروری به نظر می‌رسد. بحث واجشناسی نیز تدارک دیده نشده است، زیرا این موضوع در خود، نیاز به بررسی گسترده‌ای دارد، ضمن اینکه همراه با آن باید مقایسه‌ای دقیق میان شیوه نوشتار متون و ارزیابی گویشی و تمایزات زمانی نیز صورت پذیرد. جهت کاربرد اهداف، جداول واجی مکنزی برای فارسی میانه و جداول واجی گیلن برای پارتی بعنوان اساس کار پذیرفته شده است^(۱۹).

ارائه یک نحو همزمانی دقیق، می‌توانست به همان اندازه تصنعی و غیرطبیعی باشد که ارائه یک دستگاه واجی یگانه. بخش بیشین متون ایرانی میانه غربی مربوط به ادبیات است و از همین روی از گفتار مردم، آشکارا جدا مانده است: «زیرا زبان پارتی مانند فارسی میانه یک «لهجه» واقعی نیست: هردو، زبان دادوستد، زبان اداری و زبان ادبی دارای مشخصات زبان تثبیت شده‌اند (Koine) و بنابراین، به صورت‌های گوناگون با یکدیگر تلفیق گردیده‌اند»^(۲۰).

از این روی، طیف گسترده‌ای از منابع باید مورد استفاده قرار گیرد تا هریک دیگری را از مفیدات و محدودیتها رها سازد. این کار به توجه و دقت روی تغییرات

نحوی در زمان و نیز به همان اندازه دقت روی نحوی پهلوی یا فارسی میانه مانوی به تنهایی، نیاز دارد. بطور دقیق، نحو همزمانی تنها برای کتیبه‌ها می‌تواند نوشته شود.

منابع ایرانی میانه غربی، به اعتبار زمان، از قرن نخست پیش از میلاد تا دوره اسلامی گسترش می‌یابند^(۲۱). منابع پارتی پیش از دوره ساسانیان، پراکنده و متفرق هستند، همانند: سفالینه‌های نسا (عمدتاً در بردارنده عبارات کلیشه‌ای)، پوست - قباله اورامان، و کتیبه‌های پراکنده (سرپل، سنگ یاد بود خواسک). در حالیکه در دوره ساسانیان، تحریرهای پارتی کتیبه‌های دو یا سه زبانه رسمی، قطعاتی از دورا اورپوس، و اسناد و مدارک مانوی وجود دارد^(۲۲). در این میان مجموعه‌های فارسی میانه از موارد دیگر گسترده‌تر است. کتیبه‌های رسمی، به انضمام کتیبه‌های دورا اطلاعات با ارزشی را از زبان قرن سوم و چهارم در اختیار ما می‌گذارند. اسناد و مدارک مانوی، تماماً، برای آگاهی از سنت غیر زردشتی با ارزش‌ترین وسیله هستند^(۲۳). این امر در مورد ترجمه مزامیر در قرن ششم نیز، علیرغم گرایش آن به ترجمه واژه به واژه پشتیبان صادق است. منبع متاخر دیگر، که تماماً مورد بهره‌گیری قرار گرفته، مکتوبات پاپیروس‌هاست. پاپیروس‌ها، احتمالاً به زبان محاوره‌ای نزدیک‌ترند، اما بصورت قطعه قطعه و بویژه با خطی مبهم. مهرها و ظروف نقره‌ای نیز، موادی را از دوره‌های مختلف عرضه می‌دارند، در حالیکه سکه‌ها به عبارات قالبی و کلیشه محدود می‌شود و بیشتر از نظر شناخت خطوط کهن جالب هستند.

گزینش متون پهلوی قابل استفاده در یک دستگاه نحو، بسیار دشوار است. به نظر نمی‌رسد که متنی بازتاب یک دوره خاص باشد به جز آثار دینی و مربوط به الهیات که می‌توانند بطور دقیق دارای تاریخ باشند. از آنجا که در این پژوهش، زبان فارسی میانه زنده دوره ساسانیان مورد نظر بوده است، لذا روی آن دسته از آثار غیر دینی و دینی تکیه شده که به نوعی دارای ریشه‌های مردمی بوده‌اند^(۲۴). اما ویژگی و خصلت بیشین این گونه آثار - ترکیب روایی و انتقال - همچنین می‌تواند مشکل و

۷. pešittā: تحریر باستانی رسمی سریانی کتاب مقدس به زبان گفتاری سریانی سرزمینهای مسیحی متعلق به آغاز قرن پنجم میلادی.

معضل آنها باشد. عبارت دیگر، زبان این آثار، چه در مرحله روایی و چه در روند کتابت، با کاربرد اخیر سازگار شده است.

«فارسی میانه کتاب‌های زردشنی یک «زبان مشترک»^۸ ادبی است، ادغام شده در زبان فارسی، با بسیاری از ساخت‌های شمالی آمیخته به گونه‌های جنوبی»^(۲۵)

انطباق و سازگاری متون کهن با این زبان ادبی، باید از طریق تحلیل نحو آنها شناخته شود. متون به کار رفته دیگر نیز هریک نکات گوناگون و جالبی را ارائه می‌کنند. ZWY، نمونه‌ای از ترجمه‌ها و شرح‌های کهن را در بردارد. CAP و AXK، علیرغم زمان نامشخص، ادبیات آموزشی را عرضه می‌دارند که ریشه‌های آن کهن است و مورد بی‌توجهی قرار نگرفته است. سرانجام، MHD، که در بردارنده زبان فنی قانون دادگاه‌های ساسانی بوده و از همین روی، در زبان بسیار محافظه کارتر از بیشتر متون پهلوی دیگر است^(۲۶). از آنجا که این دستور در واقع نحو متون است و نه بازسازی فرضی مرحله‌ای از زبان گفتاری ایرانی میانه غربی، لذا، شایسته بود که برای نقل متون از حرف نویسی استفاده شود تا آوانویسی^۹.

«در یک کتاب دستور زبان، چنین روشی را که در هر مورد مبتنی بر نشان دادن صداها باشد که خود مسئله‌ای غامض بوده و اعتبار آن تردید آمیز است، نمی‌توان بخوبی معمول داشت.»^(۲۷)

برای حرف نویسی‌ها، در این پژوهش از روش هنینگ که در متون مانوی به کار رفته، استفاده شده است^(۲۸). خط دقیق کتیبه‌ها و نیز زیور، مشکلاتی را ایجاد نمی‌کند^(۲۹). حرف نویسی پهلوی دشوار است، و هیچ نظامی بدون مجموعه‌ای از نشانه‌های زیر و زبری نمی‌تواند ترکیب دقیق رویداد واژه معینی را نشان دهد. طرح دن، مکنزی، در پرتو منابع دیگر فارسی میانه، تا حد بسیار زیادی از خصلت و مزیت بررسی با قاعده و منظم املائی مبهم پهلوی، برخوردار است^(۳۰). به نظر می‌رسد که در این طرح، اختیار، کمترین و توضیح و توجیه درست و اصیل بیشترین

۸. koine = زبان مشترک یونانیان حدوداً از پایان دوره کلاسیک تا دوره بیزانس. این واژه بعداً دارای گسترش معنایی شد و به طور کلی به معنای زبان مشترک بین افراد گوناگون، زبان میانجی، به کار رفت.

۹. مترجم به دلایلی لازم دانست که تمام مثالهای داده شده، آوانویسی شود. برای دلایل توجیهی این امر، نگاه کنید به، مقدمه مترجم.

نقش را داشته است و این چیزی است که پیوسته در این پژوهش از آن پیروی شده است. صورت‌های تند نوشته و یا شکسته حروف با خط زیر آن نشان داده شده است (بنابراین "y" ای که به شکل "z" دیده می‌شود بصورت y، و "z" ای که بصورت "y" دیده می‌شود به شکل z آمده است). اما از صورتهای قراردادی مکنزی در هزوارش‌ها (E برای H و O برای c)، استفاده نشده است. در مورد نشانه‌های ترکیبی  و  مسئله کوچکی وجود دارد. صورت‌های X1 و X2 نیبرگ Nyberg، y1، ty، مکنزی، شکل ثابت این نشانه را ارائه می‌کنند اما، صورت واجی و نقش صرفی آنها که در یک بافت استنباط می‌شود، ندیده می‌ماند. در این اثر، برای حفظ وضوح نحوی، هریک به تناسب وضعیت و حالت بصورتهای: -ēd، -ēh، و یا -l/d، واجنویسی شده‌اند.

در نقل متون، تمام مواد مانوی تحت پوشش فهرست بویس، بصورت M بعلاوه شماره مشخصه آن مورد ارجاع قرار گرفته است^(۳۱). متون منتشره توسط و، ب، هنینگ، استخراج شده از، Mir.Man. III، ترجیحاً با شماره متن بعلاوه شماره فزاینده سطر نقل شده‌اند تا شماره ورق، روبه، ستون و یا شماره سطر در ستون. اصلاحات در صفحه، و ارجاعات سطری صورت گرفته در Catalogue، در این پژوهش نیز لحاظ شده است. برای طبقه‌بندی متون مانوی و نیز آثار پیشین، Catalogue مورد ارجاع قرار گرفته است^(۳۲). مواد کتیبه‌ای با اشاره به سطر و متون پهلوی با اشاره به فصل و پاراگراف یا تنها پاراگراف نقل شده‌اند. فهرست زیر، کوتاه نوشت متونی را که در ارجاعات مورد استفاده قرار گرفته‌اند ارائه می‌کند و همچنین آثار در آمده از کتابشناسی A را نیز بر می‌شمارد^(۳۳):

I B 4974

ab

ANR

AR

Armazi

abecedarian hymns

Ardašir Naqš i Rustam relief

Angad Rōšnān

silver bowl from Georgia

Waldschmidt 3

Boyce 2

Herzfeld I

Boyce 3

Henning 22

AWN	Ardā Wirāz Nāmag	Asa
AXK	Andarz ī Xusraw Kawādān	Jamaspasana
Avr	Avroman parchment	Nyberg 1
AZ	Ayādgār ī Zarērān	Pagliari
BBB	Bet-und Beichthuch	Henning 3
Bih	Bihšāpūr inscription	Ghirshman
— frag	Bihšāpūr fragments	Menasce 2
BM	British Museum seals	Bivar
Bp	Berlin papyri	Hansen 1
CAP	Čīdag Andarz ī Pōryōtkēšān	Kanga
DA	Draxt ī Asūrīg	Jamaspasana
DE	Dura-Europos texts	Frye 5
F	Fīruzābād inscription	Henning 15
Fs	Frye, clay sealings	Frye 4
GMII	Leningrad papyri	Perikhanian
H	Huwidagmān	Boyce 3
Hajj	Hajjiābād inscription	Nyberg 4
I	Iqlīd inscription	Frye 6
Jh	Jesus hymn	Waldschmidt 2
KAP	Kārnamag ī Ardašīr ī Pāpakān	Āntiā
KKZ	Kirdēr Ka'ba-yi Zardušt inscription	Chaumont
KNR	Kirdēr Naqš ī Rustām inscription	Henning 23
KNR	Kirdēr Naqš ī Rajab inscription	Frye 2
KSM	Kirdēr Sar Mašhad inscription	Gignoux 2
L	Leningrad seals	Lukonin
LK	Legend of Kiršāsp	Dhabhar
Maq	Maqsūdābād inscription	Menasce 2

MHD	Mādiyān ī Hazār Dādistān	Bartholomae 1
—a	Mādiyān ī Hazār Dādistān	Anklesaria
Miškīn	Miškīnšahr inscription	Gropp 2
MYF	Mādiyān ī Yōšt ī Friyān	Asa
N	Nisa ostraca	Dyakonov
Ni	Nisa ostraca	Dyakonov and Livshits
P	Paikuli inscription	Herzfeld 1
Pc	Persepolis column inscription	Menasce 2
Per	Persepolis inscriptions	Frye 3
Ps	Psalter fragments	Andreas 2
S	Manichean texts	Salemann 1
Sarpul	Sarpul inscription	Gropp 1
Sm	Hermitage bowls	Smirnov
ŠKZ	Šāpūr I KZ inscription	Sprengling 2
ŠNRb	Šāpūr I NRb relief	Herzfeld 1
Tab	Tabaristan bowls	Henning 21
XR	Xusraw ud Rēdag	Unvala 2
Xwāsak	stele of Xwāsak	Henning 13
ZWY	Zand ī Wahman Yasn	Ankelesaria

قطعات مانوی آلمانی، منتشره در Catalogue موارد زیر را در برمی‌گیرد:

M 4570	Sundermann
M 4574	Sundermann
M 5861	Sundermann
M 6020	Henning 24

نشانه‌ها:

در حرف نویسی:

- [] باز سازی متن از دست رفته را نشان می دهد.
- () بازسازی متنی آسیب دیده را که بخشی از آن خواناست، نشان می دهد.
- < > حذف واژه یا حرف را نشان می دهد.
- ~ + اصلاح واژه را که معمولاً شامل تغییر یا افزایش یک حرف می شود، نشان می دهد.
- .. / .. نقطه گذاری را - معمولاً در متون فارسی میانه مانوی یا پارتی مانوی - نشان می دهد. ****

در آوانویسی‌ها:

- * یک شکل نامعین یا، برگردان نامعینی از یک ساخت هزوارشی را نشان می دهد.

در ترجمه‌ها:

- * معنی نامعین یا معنی بافتی را نشان می دهد.
- () واژه‌هایی را نشان می دهد که در متن قرینه و همانند، آشکارا مشخص نشده‌اند.
- اعداد فارسی میانه و پارتی بصورت اعداد رومیایی کوچک و شکسته به تحریر درآمده‌اند.